

کابوسی به نام مقاومت

ژنگ خطر موشکی مقاومت برای رژیم صهیونیستی
«ص ۷»



سخن سردبیر

فرمانده بزرگ عربی

کاری که اسرائیل روز چهارشنبه، در باریکه غزه انجام داد در نهایت این بود که عنصر «خون خواهی» را به عناصر مقاومتی در غزه اضافه کرد. یعنی از این پس نیروهای جهادی فلسطین مطالبه تازه‌ای از رژیم پیدا کرده و برای استیفای آن وارد صحنه می‌شوند.

یک اتفاق مهم که در این سالها افتاده و خلأ فرماندهانی مثل سنوار و هنیه و عاروری پر می‌کند، «اتحاد میدانها» و در نتیجه اتصال فرماندهی خارج و داخل است؛ بنابراین اسرائیل حداکثر کاری که می‌کند حذف افراد و فروریختن دیوارهاست، اما نمی‌تواند رشته‌ای که عمان و مدیترانه را به هم وصل کرده را از هم بگسلد.

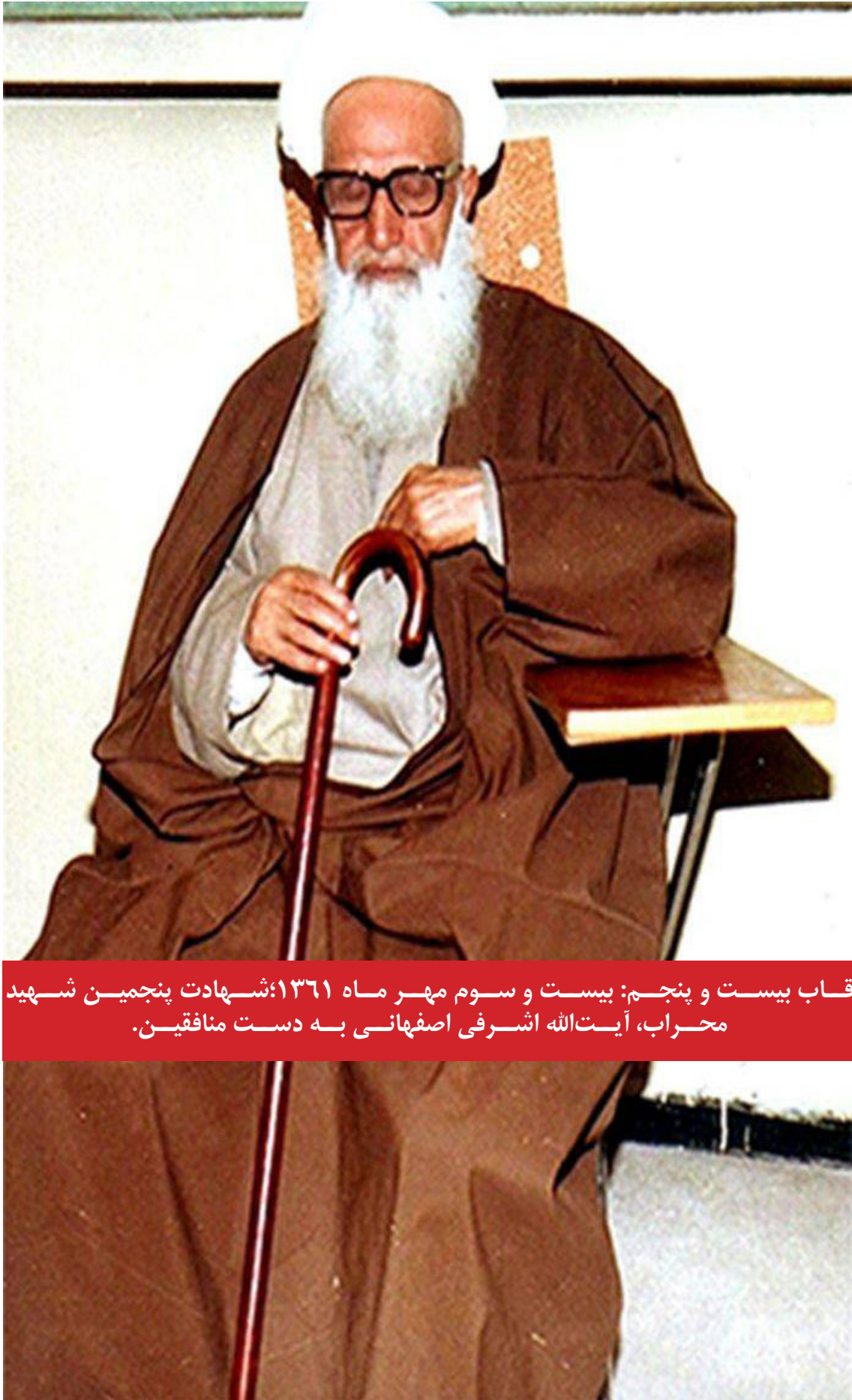
رژیم غاصب با به شهادت رساندن سنوار، در واقع کینه‌های کرانه باختری را آبیاری کرد و این به آن معناست که شهادت هنیه، عاروری و سنوار ممکن است به «حماس اداری» آسیب زده باشد ولی «حماس جهادی» را برافروخته‌تر و پرهیبت‌تر نموده است. این موضوع مهمی است و لذا بسیاری از تحلیلگران غربی گفته‌اند ترور سنوار، جنبش حماس را فعال‌تر و صف داخلی آن را منسجم‌تر می‌نماید.

آنچه ممکن بود عزم مردم غزه را در مسیر مقاومت کمی سست کند تصور اختفای رهبران حماس در تونلها و پشت سنگرها بود. اما امروز همگان، نه تنها آنهایی که صداقت در گفتار و رفتار خود دارند بلکه حتی دشمنان مقاومت و آرمان فلسطین هم به مردانگی و شجاعت مردان حماس و رهبر آن اعتراف می‌کنند.

نوع شهادت یحیی سنوار، خط بطلانی بر تمام دروغ‌ها و سناریوسازی‌هایی بود که قصد جدا کردن مردم عادی ساکن در نوار غزه، کرانه باختری، مرزهای ۱۹۶۷ و آزادی خواهان و منتقدان به جنایات جنگی و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی داشتند، کشید.

نرگس خطیب دماوندی

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به: شهیدان سید حسن نصرالله سومین دبیر کل حزب الله لبنان و یحیی السنوار رییس دفتر سیاسی حماس و تمام مجاهدان مقاومت.



قاب بیست و پنجم: بیست و سوم مهر ماه ۱۳۶۱؛ شهادت پنجمین شهید
محراب، آیت الله اشرفی اصفهانی به دست منافقین.

تلاش‌های دیپلماتیک اروپا و برنامه هسته‌ای

نگرانی‌های اروپا بابت برنامه هسته‌ای ایران علی‌الخصوص با رویدادن اتفاقات اخیر و امنیت منطقه

● ساره سمیع - کارشناسی ارشد اقتصاد



برنامه هسته‌ای ایران رسماً در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ این برنامه به یکی از ارکان کلیدی سیاست خارجی ایران تبدیل شد. با وجود فشارهای گسترده بین‌المللی، ایران به توسعه فناوری هسته‌ای ادامه داد و این موضوع به چالشی جدی برای کشورهای اروپایی تبدیل شد. در سال ۲۰۰۲، افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران باعث شد تا نگرانی‌های بین‌المللی درباره اهداف نظامی احتمالی این برنامه شدت یابد. اما ایران بارها تأکید کرده است که برنامه هسته‌اش صلح‌آمیز است و هدف آن تأمین نیازهای انرژی کشور است.

این نگرانی‌ها از سویی به امنیت اروپا مربوط می‌شود و از سوی دیگر به روابط دیپلماتیک آینده با ایران و تأثیراتی که این برنامه بر ثبات و امنیت خاورمیانه دارد. با وجود تحولات اخیر در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، این نگرانی‌ها ابعاد جدیدی به خود گرفته و باعث شده‌اند که اروپایی‌ها به دنبال راهکارهایی برای مدیریت این وضعیت باشند. اما باید توجه داشت که اقتدار علمی و فنی ایران در حوزه هسته‌ای، نشان از توانایی‌های گسترده این کشور دارد که به‌خوبی می‌تواند در مسیر توسعه پایدار و حفظ امنیت ملی مورد استفاده قرار گیرد.

برنامه هسته‌ای ایران از همان ابتدا تا به امروز به‌عنوان یکی از مسائل پیچیده و حساس در سیاست بین‌الملل مورد توجه جهانیان بوده است. این برنامه، نمادی از اقتدار علمی و فنی ایران به‌شمار می‌رود و با وجود تحریم‌های گسترده و فشارهای بین‌المللی، ایران همچنان در مسیر توسعه صلح‌آمیز و بومی‌سازی فناوری هسته‌ای قدم برداشته است. به‌ویژه برای کشورهای اروپایی که در تلاش‌اند نقش ایران را در منطقه کنترل کنند، برنامه هسته‌ای ایران همواره یک عامل نگرانی و چالش‌برانگیز بوده است.

اروپا، به‌ویژه گروه ۳E شامل فرانسه، آلمان و بریتانیا، همواره در تلاش بوده‌اند تا با استفاده از دیپلماسی، توانایی هسته‌ای ایران را محدود کنند. برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید، یکی از دستاوردهای بزرگ دیپلماتیک اروپا در این زمینه بود. این توافقنامه با هدف محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران در مقابل کاهش تحریم‌های بین‌المللی طراحی شد. اما در سال ۲۰۱۸، با خروج دولت ترامپ از برجام و بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، این توافق به حالت تعلیق درآمد و نگرانی‌های اروپا افزایش یافت. با این حال، ایران همچنان بر حقوق خود در توسعه فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز پافشاری کرده و این موضوع به نماد اقتدار ملی این کشور تبدیل شده است.

در سال‌های اخیر، ایران غنی‌سازی اورانیوم را به سطح جدیدی افزایش داده و به گفته برخی تحلیلگران، به ظرفیت کامل برای تولید سلاح‌های هسته‌ای نزدیک شده است. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) تأیید می‌کند که ایران سطح غنی‌سازی اورانیوم را به ۶۰ درصد رسانده است؛ سطحی که به تولید سلاح‌های هسته‌ای نزدیک است. اما اقتدار ایران در این حوزه نشان از توانایی‌های علمی و فنی کشور دارد که در جهت اهداف صلح‌آمیز و رفع نیازهای انرژی کشور به‌کار گرفته می‌شود. تحولات منطقه‌ای نیز به نگرانی‌های اروپا افزوده است. تنش‌های نظامی بین ایران و اسرائیل، حملات به زیرساخت‌های انرژی در خاورمیانه و تحریم‌های اقتصادی فزاینده آمریکا علیه ایران، همگی نشان‌دهنده حساسیت اوضاع هستند. ایران نیز در پاسخ به این تهدیدات اعلام کرده است.

که به توسعه برنامه هسته‌ای خود ادامه خواهد داد؛ چراکه این برنامه علاوه بر تأمین نیازهای انرژی، به توسعه علمی کشور نیز کمک می‌کند. این عزم راسخ ایران در مقابل فشارهای خارجی، نشان از اقتدار ملی و استقلال علمی این کشور دارد که نمی‌خواهد تحت‌تأثیر خواسته‌های کشورهای خارجی قرار گیرد.

نگرانی‌های اروپا درباره برنامه هسته‌ای ایران عمدتاً به پیامدهای امنیتی این برنامه برای خاورمیانه بازمی‌گردد. خاورمیانه به‌عنوان یکی از مناطق استراتژیک جهان، دارای ذخایر عظیم نفت و گاز است و با تنگه هرمز که یکی از مسیرهای مهم تجاری جهانی است، اهمیت ویژه‌ای دارد. اروپا بیم آن دارد که با پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، یک رقابت تسلیحاتی در منطقه آغاز شود و کشورهایی مانند عربستان سعودی نیز به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای باشند. با این حال، تجربه تاریخی ایران در حفظ ثبات منطقه‌ای و نقش‌آفرینی به‌عنوان یک قدرت بازدارنده نشان می‌دهد که ایران همواره به دنبال حفظ صلح و امنیت در منطقه بوده است.

اسرائیل نیز به‌طور مداوم تهدید کرده است که اجازه نخواهد داد ایران به توانایی‌های نظامی هسته‌ای دست یابد و در صورت لزوم، اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران انجام خواهد داد. با این حال، ایران با تکیه بر توان دفاعی بومی و توانایی‌های نظامی خود، همواره اعلام کرده است که آماده دفاع از حق حاکمیت و امنیت ملی خود است. این موضع قاطعانه ایران در برابر تهدیدات خارجی، نشان از اقتدار نظامی و استقلال استراتژیک این کشور دارد که به هیچ‌وجه تحت‌فشار قرار نخواهد گرفت.

در طول سال‌ها، اروپا همواره تلاش کرده است تا از طریق مذاکرات دیپلماتیک و راه‌حل‌های چندجانبه، برنامه هسته‌ای ایران را مدیریت کند. برجام به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند در دست اروپا، توانست تا حدی این چالش را کنترل کند. اما خروج ایالات متحده از برجام و افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی علیه ایران، سیاست‌های اروپا را در مدیریت این بحران با مشکل مواجه کرد. با این حال، ایران نشان داده است که به‌رغم تمام فشارها، در مسیر توسعه فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز باقی خواهد ماند و آماده است تا در چارچوب مذاکرات عادلانه و محترمانه به دنبال راه‌حل‌های منطقی باشد. تحولات اخیر نشان داده است که آینده برنامه هسته‌ای ایران و رویکردهای اروپا به این برنامه، به روند مذاکرات دیپلماتیک و توانایی کشورهای اروپایی در ایجاد اجماع بین‌المللی بستگی دارد. دیپلماسی چندجانبه همچنان بهترین ابزار برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها و تضمین راه‌حلی بلندمدت برای مسئله هسته‌ای ایران است. ایران با تکیه بر قدرت علمی و فناوری خود، آماده است تا در چارچوب مذاکرات منطقی و با رعایت حقوق بین‌المللی، به دنبال توسعه صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود باشد.

راه‌حل‌های دیپلماتیک و ارائه مشوق‌های اقتصادی می‌تواند ایران را به میز مذاکره بازگرداند و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور را در چارچوب‌های بین‌المللی حفظ کند. اروپا نیز می‌تواند با ایجاد گفت‌وگوهای منطقه‌ای و همکاری با کشورهای همسایه مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، به کاهش تنش‌ها در منطقه کمک کند. اما اقتدار ملی ایران و نقش محوری این کشور در امنیت منطقه‌ای، نشان می‌دهد که ایران می‌تواند در مسیر توسعه فناوری هسته‌ای و همزمان حفظ ثبات منطقه‌ای، پیشرو باشد. در هر صورت نابودی ظلم به زودی اتفاق می‌افتد چه با بمب هسته‌ای چه بدون آن، و دانش ایران در بخش نظامی انکارناپذیر است؛ سردار حاجی‌زاده فرمودند: «به زودی چیزی فراتر از پهباد، موشک و فناوری هسته‌ای روی میز خواهیم گذاشت که همه معادلات را تغییر دهد.»

آفرینش تحول از تخیل

جستاری بر نخستین نشست خبری ریاست جمهوری جدید و ماجرای دشمن را دوست دانستن

● ریحانه صالحی‌فر - کارشناسی علوم تربیتی



آنها ارسال می‌شد. این نشست حواشی را به دنبال داشت. پاسخ‌هایی که ریاست جمهوری به سوالات گوناگون خبرگزاری‌ها ارائه دادند ابعاد متفاوتی داشت، هم جنبه‌های مثبت را شامل می‌شد و هم جنبه‌های منفی. چیزی که تبدیل به معضل فکری گروهی از فعالان سیاسی و حتی مردم عادی شد از جمله مصداق‌های بعد منفی آن بود. آنچه در مباحث مطرح شد و به نظر می‌رسید که توانسته عقل و منطق انسان را متقاعد کند و دور از دسترس نباشد به شرح زیر است:

سیاست منطقه‌ای ایران بر اساس پایبندی به اصل برادری دینی در برابر همسایگان سیاست صلح و همکاری بوده و این امر اگر عیناً پیاده‌سازی شود موجب خواهد

اجلاس سران کشورهای اسلامی به منصف ظهور رسید. این گردهمایی به حسب اتفاق طبق گفته شخص ریاست جمهوری با هفته وحدت مقارن شده بود و از ماهیت اصل مورد پذیرش دولت جدید یعنی وفاق ملی حمایت می‌کرد و چنین موقعیتی از نکات جالب توجه این نشست بود. در طی گفتگوها بر حسب میانگین زمان مقرر که چیزی حدود دو ساعت بود امکان پرسش و پاسخ حضوری برای ۲۲ پایگاه خبری فراهم شد. از آنجایی که نمایندگان دست کم ۱۰۸ پایگاه خبری در نشست حضور داشتند و امکان پاسخگویی به تمامی آنها وجود نداشت؛ بنابر وعده مسئولان برگزار کننده نشست پاسخ سوالات مابقی خبرگزاری‌ها از رئیس جمهور دریافت و برای

همانطور که از گذشته بسیار دور پیداست نقش احزاب سیاسی و افراد صاحب نفوذ در جامعه و حاکمیت کاملاً مشهود است؛ بنابراین پرداختن به آن و بررسی بسیاری از بیانات مطرح شده از سوی سیاسیون در هر سطحی از مناصب حکومتی حائز اهمیت است تا به واسطه آن توان تجزیه و تحلیل برخی از تغییرات ملی و بین‌المللی را به دست آورد. ریاست جمهوری جدید ایران در نخستین مصاحبه تلویزیونی خود، مورخ ۱۰ شهریور سال ۱۴۰۳ اعلام کرد که حتماً نشست خبری را با اصحاب رسانه و خبرگزاری‌های مختلف خواهند داشت و این وعده پس از اقدامات اولیه دولت جهت ایجاد ثباتی نسبی در تاریخ ۲۶ شهریور ماه، ساعت ۱۵ و در محل سالن

تا دشمنان به ویژه عاملان کشورهای اروپایی و آمریکایی در سطح منطقه متوجه موضع مشترک کشورها شده و اجازه انجام هرگونه اقدامی ضد امنیت خاورمیانه را به خود ندهند. همچنین در سطح لایه‌های درونی کشور ایران موضوع قهر سیاسی گروه‌ها و قومیت‌های مختلف از مباحث حائز اهمیت بوده که دلیل بر بسیاری از مشکلات درون کشوری است یا حمایت دولت از کرسی‌های آزاد اندیشی و تشکل‌های دانشجویی از دیگر بنیان‌های اجرایی دولت جدید بود که به آن پرداخته شد. با وجود اینکه مؤلفه‌های مثبت دیگری چون توجه به عدالت آموزشی، برطرف کردن ناترازی‌ها اقتصادی - مالی/ فرهنگی و سیاسی، بررسی توسعه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در طول نشست خبری مورد اشاره قرار گرفته بود، به نظر می‌رسید کلیت این نشست برای عموم افراد جامعه به ویژه قشر فرهیخته جامعه اگر نخواهیم اسم اثر منفی را بر آن بگذاریم حداقل حالت شک و تردید را ایجاد کرده بود. در قسمتی از این گفتمان به موضوع رابطه ایران با آمریکا و کشورهای اروپایی پرداخته شد. حدود ۳ الی ۴ سوال در این حوزه مطرح شد، سوالاتی با محتوای زیر: آیا سیاست کلی ایران در برابر تهدیدها و تحریم‌های آمریکا با توجه به مخالفت‌های مجلس با عقیده ضد آمریکایی جهت اتخاذ مسیر سازش و بهبود روابط با این کشور باز هم تغییر خواهد کرد یا خیر؟

نگرانی آژانس بین‌المللی انرژی با توجه به تولید اورانیوم با میزان بالایی از غنا در ایران و توان دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای و نوع بازخورد ایران به این نهاد، ماجرای آمادگی ایران

جهت همکاری بین‌المللی با آمریکا، حتی در نظر گرفتن شرایط لازم برای گفتگو با شخص ترامپ در صورت انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور جدید این کشور و در یک کلام ماهیت سیاست کلی دولت جدید ایران در برابر اقدامات آمریکا و اروپا. سیاست سازش یا مقاومت؟! در قسمت‌های مختلفی از پاسخ‌ها. قرار بر این شد که حکومت جمهوری اسلامی به دنبال سلاح و ابزار اتمی نباشد اما در عین حال در مرحله دیگری ابراز داشته می‌شد که ما نمی‌توانیم در برابر زورگویی سکوت کنیم. آمریکا و اسرائیل به طور مستمر در حال تهدید ما بوده و خود آنها در حال پیشرفت نظامی هستند و حتی زمانی که یکی از خبرنگاران در حوزه نگرانی آژانس بین‌المللی انرژی در مورد توان تولید اورانیوم صحبت کرد به جای انتخاب توان دانشمندان این حوزه و دفاع از غرور ملی اذعان داشته شد که ایران اصلاً به دنبال انجام چنین کارهایی علیه بشریت نیست و قصد تولید سلاح اتمی را ندارد و این درحالی است که این سازمان نسبت به سایر کشورهای که در حال کشت و کشتار مردم بی‌گناه بوده و هستند واکنشی عمدتاً خنثی داشته است، کشورهایی چون آمریکا و اسرائیل که نماد اینگونه روش‌ها است. برای نقد بر هر امری باید سند و مدرک آورد اما گاهی اوقات شواهد گواهی کافی جهت صدور رأی است. همانطور که اطلاع داریم در تاریخ ایران و جهان عدم حسن نیت آمریکا و اروپا مشهود است و هم در دنیای امروز با بروز حمایت عینی آنها از اسرائیل کودک کش. به گفته حضرت امام خمینی رحمت الله علیه آمریکا شیطان بزرگ است و دقیقاً ویژگی شیطان، دادن وعده دروغین و شانه خالی کردن

هنگام پاسخگویی است. دست داشتن مستقیم و غیر مستقیم آمریکا و عاملان آن در ترور سردار سلیمانی، ترور ابراهیم هنیه داخل خاک ایران، ترور سید حسن نصرالله، دست داشتن در کشتار دسته جمعی مردم غزه و غیره همگی گوشه‌ای از مدارک و شواهدی است که مهر تکذیب بر استراتژی دوستی و اطمینان به آمریکا می‌زند. زیرک بودن از ویژگی‌های مومنان است؛ باید در عین اینکه سعی بر محافظت از مرز و بوم خود و جان مردم داریم تن به هرگونه ذلتی ندهیم. بلاشک اگر امروز از جزئی‌ترین مواضع خود بگذریم در آینده نیز باید از اصالت و ریشه خود نیز دست بکشیم و این واقعیت غیر قابل انکار بوده، است و خواهد بود. در نهایت شایان ذکر است با وجود این ابعاد و تا حدودی منجر کننده نشست می‌توان مقداری از پاسخگویی ریاست جمهوری ابراز خشنودی کرد و سعی بر دور کردن جو کشور از فضای سردرگم کننده پس از انتخابات دوره چهاردهم دولت بود ولی بهتر بود برای پاسخگویی به ماهیت حقیقی درون اذهان بیشتر افراد جامعه توجه می‌شد نه صرفاً یک حزب و گروه خاص یا تفکر شخصی چون اگر بخواهیم در سطح عمیق‌تر به این موضوع بنگریم با ادامه این روند می‌توان ادعا کرد روزی خواهد رسید که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دچار خدشه خواهد شد. در جنگ نابرابر و ناعادلانه ایران و عراق کشور ما چیزی تعداد ۱۹۶۸۳۷ تن از مردم غیور خود را از دست داد که در راستای پیاده سازی هدف والای مبارزه با ظلم و ستم، زورگویی و استعمار و آزادی مردانه جنگیدند. آیا واقعا بر ما رواست تا با اتخاذ چنین سیاستی موجب پایمال شدن خون آن بزرگواران شویم؟

کابوسی به نام مقاومت

زنگ خطر موشکی مقاومت برای رژیم صهیونیستی

● ریحانه زین‌الدینی - کارشناسی مهندسی عمران

ضمیمه محور مقاومت



جمله حملات اخیر به نقاط حساس اسرائیل، نشان‌دهنده این است که گروه‌های مقاومت دیگر در حاشیه عمل نمی‌کنند و به بازیگرانی کلیدی در معادلات منطقه‌ای تبدیل شده‌اند. از این رو، قدرت نظامی و اراده بالای این گروه‌ها می‌تواند هرگونه تلاش رژیم صهیونیستی برای حفظ امنیت خود را به چالش بکشد.

۲. وحشت صهیونیست‌ها از بحران امنیتی رژیم صهیونیستی که همواره به عنوان یک قدرت نظامی برتر در خاورمیانه شناخته می‌شد، اکنون با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو است. حملات موشکی گروه‌های مقاومت از شمال (لبنان) و جنوب (یمن) به اسرائیل، این رژیم را مجبور کرده است که به تقویت سامانه‌های دفاعی خود

در سال‌های اخیر، گروه‌های مقاومت در لبنان، یمن و عراق به طور چشمگیری توانسته‌اند توان نظامی خود را تقویت کنند. حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و گروه‌های عراقی، از جمله کتائب حزب‌الله و دیگر نیروهای مقاومت عراقی، با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته موشکی و حمایت‌های مردمی، توانسته‌اند به سطحی از قدرت برسند که توانایی حمله مستقیم به رژیم صهیونیستی را داشته باشند. حملات موشکی که از سوی این گروه‌ها به خاک اسرائیل انجام می‌شود، نشان می‌دهد که این نیروها دیگر فقط بازیگران منطقه‌ای نیستند؛ بلکه به عنوان تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات اسرائیل شناخته می‌شوند. این حملات موشکی، از

حملات موشکی اخیر از سوی گروه‌های مقاومت در لبنان، یمن و عراق، به وضوح زنگ خطری جدی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود. این حملات که عمدتاً از سوی حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و گروه‌های مقاومت عراقی صورت می‌گیرد، نه تنها قدرت نظامی و اراده این گروه‌ها را به نمایش می‌گذارد، بلکه نشان‌دهنده وحشت و اضطراب رژیم صهیونیستی از آینده‌ای نامعلوم و بحرانی است. این تحولات، علاوه بر تشدید بحران‌های امنیتی اسرائیل، پیامدهای گسترده‌تری برای این رژیم خواهد داشت که در این یادداشت تحلیلی به بررسی ابعاد این حملات و عواقب آن می‌پردازیم:

۱. افزایش قدرت نظامی گروه‌های مقاومت

بپردازد. سیستم‌های موشکی مانند گنبد آهنین هرچند موفقیت‌هایی در رهگیری موشک‌های شلیک شده به سمت اسرائیل داشته‌اند، اما توان مقابله کامل با این حجم از حملات را ندارند. این وضعیت باعث شده است که رژیم صهیونیستی به تدریج با نوعی از وحشت و اضطراب روبه‌رو شود.

ناتوانی در کنترل و مهار کامل تهدیدات موشکی باعث شده است که اعتماد به ارتش و توان دفاعی این رژیم نیز زیر سؤال برود. این بحران امنیتی نه تنها در میان مردم اسرائیل بلکه در میان نظامیان و مقامات این رژیم نیز رخنه کرده و به فروپاشی روحیه و اعتماد درونی آن‌ها منجر شده است.

۳. عواقب کوتاه‌نیامدن رژیم صهیونیستی
ادامه این رویکرد تهاجمی و کوتاه‌نیامدن از مواضع سخت‌گیرانه، عواقب وخیمی برای رژیم صهیونیستی خواهد داشت. اولاً، این سیاست‌ها می‌تواند به افزایش تنش‌ها و درگیری‌ها در منطقه منجر شود. هرگونه حمله نظامی به گروه‌های مقاومت، به طور قطع واکنش متقابل آن‌ها را به دنبال خواهد داشت.

به عنوان مثال، حمله به مواضع حزب‌الله در لبنان یا گروه‌های مقاومت عراقی، می‌تواند به تشدید حملات موشکی و حتی گسترش جنگ به نقاط دیگر منطقه منجر شود. ثانیاً، ادامه سیاست‌های تهاجمی رژیم صهیونیستی می‌تواند باعث افزایش حمایت‌های بین‌المللی از گروه‌های مقاومت شود. در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به دلیل نقض حقوق بشر و اقدامات غیرانسانی اسرائیل، به حمایت

از نیروهای مقاومت پرداخته‌اند. این حمایت‌ها، چه در قالب سیاسی و چه نظامی، می‌تواند باعث تقویت جایگاه گروه‌های مقاومت در منطقه و تضعیف بیشتر اسرائیل شود.

۴. فروپاشی نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی

با توجه به چالش‌های فزاینده‌ای که رژیم صهیونیستی با آن‌ها مواجه است، می‌توان گفت که این رژیم در حال تجربه یک بحران عمیق هویتی و امنیتی است. اعتماد به قدرت نظامی و توان سیاسی اسرائیل در حال کاهش است و این وضعیت می‌تواند به فروپاشی نهایی این رژیم منجر شود.

تحلیلگران معتقدند که رژیم صهیونیستی، که سال‌ها با اتکا به توان نظامی و حمایت‌های بین‌المللی به بقای خود ادامه داده است، اکنون در آستانه فروپاشی قرار دارد. این

توان نظامی و حمایت‌های بین‌المللی به بقای خود ادامه داده است، اکنون در آستانه فروپاشی قرار دارد. این فروپاشی نه تنها از نظر نظامی و امنیتی، بلکه از نظر سیاسی نیز قابل مشاهده است. ناتوانی در مدیریت بحران‌های داخلی و مقابله با تهدیدات خارجی، به تدریج این رژیم را در معرض فروپاشی قرار داده است.

در نهایت، حملات موشکی گروه‌های مقاومت از لبنان، یمن و عراق به رژیم صهیونیستی، تنها یک نشانه از افزایش قدرت و اعتماد به نفس این نیروها در منطقه است. در مقابل، وحشت و اضطراب اسرائیل از این حملات، نشان‌دهنده ضعف و شکنندگی این رژیم است. اگر رژیم صهیونیستی به سیاست‌های تهاجمی خود ادامه دهد و از موضع خود کوتاه نیاید، باید منتظر عواقب وخیمی باشد.



انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_islami_alzahra
@anjomanalzahra

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: زهرا سعیدی

سرمدیر: نرگس خطیب دماوندی

هیئت تحریریه: ساره سمیع، ریحانه صالحی‌فر، ریحانه زین‌الدینی

صفحه آرا: ریحانه زین‌الدینی

شماره تماس: ۰۹۱۱۲۸۰۵۷۲۶ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰